



# علیه مسیر جدید به ضرورت منشأ

ساجد طیبی

پژوهشگاه دانش‌های بنیادی

خلاصه:

رورباف و دی‌روسه در مسیری جدید به ضرورت منشأ (۲۰۰۴) استدلالی جدید برای آموزه‌ی ضرورت منشأ ارائه می‌کنند. این استدلال از نظر آن‌ها، بر خلاف دو تا از شناخته شده‌ترین استدلال‌ها برای این آموزه (یعنی استدلال‌های سلمون (۱۹۷۹ و ۱۹۸۲) و فوربس (۱۹۸۵)) به اصل کفایت منشأ متوسل نمی‌شود. در عوض آن چه در استدلال آن‌ها نقش اصلی ایفا می‌کند، اصلی متافیزیکی است مبنی بر موضعی بودن ممانعت. این اصل انگیزه‌ای برای پذیرش اصل استقلال است که ادعا می‌شود ضعیف‌تر، و شهودی‌تر، از اصل کفایت منشأ است و یکی از مقدمه‌های استدلال رورباف و دی‌روسه را تشکیل می‌دهد. آن‌ها ادعا می‌کنند که این استدلال جدید، به شکل بهتری بر ایده‌ی کریپکی در پانویست ۵۶ از نام‌گذاری و ضرورت مطبق است. من در این مقاله می‌خواهم نشان دهم این استدلال جدید وقتی برای نشان دادن ضرورت منشأ در مورد ارگانسیم‌هایی نظیر انسان و درخت، به کار می‌رود، به همان اندازه‌ی استدلال‌های کلاسیک سلمون و فوربس در برابر انتقاد وحید علیه این استدلال‌ها (وحید ۱۹۹۵)، آسیب پذیر است. بنابراین انتقاد من بر این استدلال نه مبتنی بر انتقاد از درستی مقدمه‌هایی است که بر آن‌ها استوار است، نه مبتنی بر ادعای نامعتبر بودن منطقی آن‌ها است و نه مبتنی بر انکار جدید بودن مسیر این استدلال به آموزه‌ی ضرورت. در عوض، آن چه می‌خواهم نشان دهم این است که این استدلال نیز، همانند آن چه که وحید برای استدلال‌های کلاسیک نشان داده است، بر اصل عرضی بودن ماده‌ی متعاقب مبتنی است و لذا دچار همان مشکلی است که وحید برای استدلال‌های کلاسیک مطرح کرده است، یعنی این که بر اساس مقدمه‌هایی که به همان اندازه‌ی مقدمه‌های این استدلال‌ها شهودی‌اند، می‌توان استدلال موازی‌ای اقامه کرد که ضرورت ماده‌ی متعاقب را با فرض انکار ضرورت منشأ نشان دهد و لذا نتیجه‌ای ناسازگار با مقدمات این استدلال‌ها داشته باشد.

زمان: دوشنبه، ۱۵ آذر ۱۳۹۵، ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: میدان شهید باهنر، پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات)،

پژوهشکده فلسفه تحلیلی، سالن شماره ۱